

واکاوی نقش میراث فرهنگی بر کالبد شهری و توسعه پایدار صنعت گردشگری

دکتر علی لوافان

دکتری مدیریت منابع انسانی

مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت هتل پیروزی اصفهان

ali.lavafan@yahoo.com

چکیده

میراث فرهنگی ملموس و ناملموس جان مایه تاریخ بشری یک جامعه است که میتوان هویت فرهنگی و زیستی آنها را تشخیص داد و به آنها افتخار ورزید و به رخ دیگر جوامع (جهانیان) کشید. گذر و گذار از این سرچشمه تاریخی بی اعتنایی به قدمت فرهنگی یک جامعه است. توجه به این آثار ملموس و ناملموس تاریخی و فرهنگی غنا و سرمایه مادی و معنوی جامعه است. و بایستی آن جامعه به خود ببالد و از امتیازات آن استفاده کند و همه جهان را از این داشته‌ها آگاه سازد. این آثار فخر کالبد شهری و از طریق گردشگری به دیگران شناسایی می‌گردد. در صنعت گردشگری از بین انواع مختلف گردشگری ها، گردشگری تاریخی و فرهنگی از اولویت برخوردار بوده و بیشترین تعداد متقاضیان مقاصد سفر را به خود اختصاص داده است. مهمترین مسئله در میراث فرهنگی حفاظت و نگهداری آثار و فرهنگ سازی برای عموم افراد جوامع است که چگونه از این آثار گرانبها حمایت و پشتیبانی و حفاظت نمایند. این مقاله بصورت توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی، نظریات کارشناسان، خبرگان و تجربه پژوهشگر نگارش شده است.

کلید واژه‌ها: واکاوی، میراث فرهنگی، توسعه پایدار، صنعت گردشگری

مقدمه

در کالبد شهری به غیر از امکانات، تاسیسات، زیرساخت‌های شهری، مناظر طبیعی و مناطق سرسبز همانند پارک‌ها، رودخانه‌ها و دیگر امکانات تفریحی، مبلمان شهری، آثار تاریخی و فرهنگی ملموس تکمیل کننده این کالبد می‌باشند. شهرهای بدون آثار تاریخی و فرهنگی از برند مطمئنی که تصویر ذهنی گردشگران را جذب دیدن این آثار کند؛ کمتر وجود دارد. آثار تاریخی فرهنگی ملموس و غیرملموس، تاریخ، قدمت، پایداری و استواری یک شهر یا کشور را نشان می‌دهند. آثار تاریخی و فرهنگی تکرارشدنی نیست مگر اینکه چنان قدرتی وجود داشته باشد که تاریخ و زمان را به عقب برده و بتوانند به چندین قرن پیش بازگردند. از طرفی می‌توان آثاری را که بصورت عمدی یا غیرعمدی تخریب شده، در زمان حال و یا آینده الگو برداری، کپی برداری و دوباره سازی کرد. برای حفظ و نگهداری این آثار می‌توان با یک برنامه ریزی خردمندانه، همکاری همه جانبه، یکپارچگی ارکان دولت و تک تک افراد جامعه و با یک خرد جمعی تلاش نمود. در بعضی از شهرهای تاریخی جهان این آثار به طور کلی تخریب شده که دوباره سازی و برخی دیگر در حال تخریب بوده است که بهسازی و مرمت شده است. با فرهنگ سازی در جوامع این شهرها، مردم را به دوست داشتن این آثار گرانبها و حفظ و نگهداری از آنها وادار کرده اند.

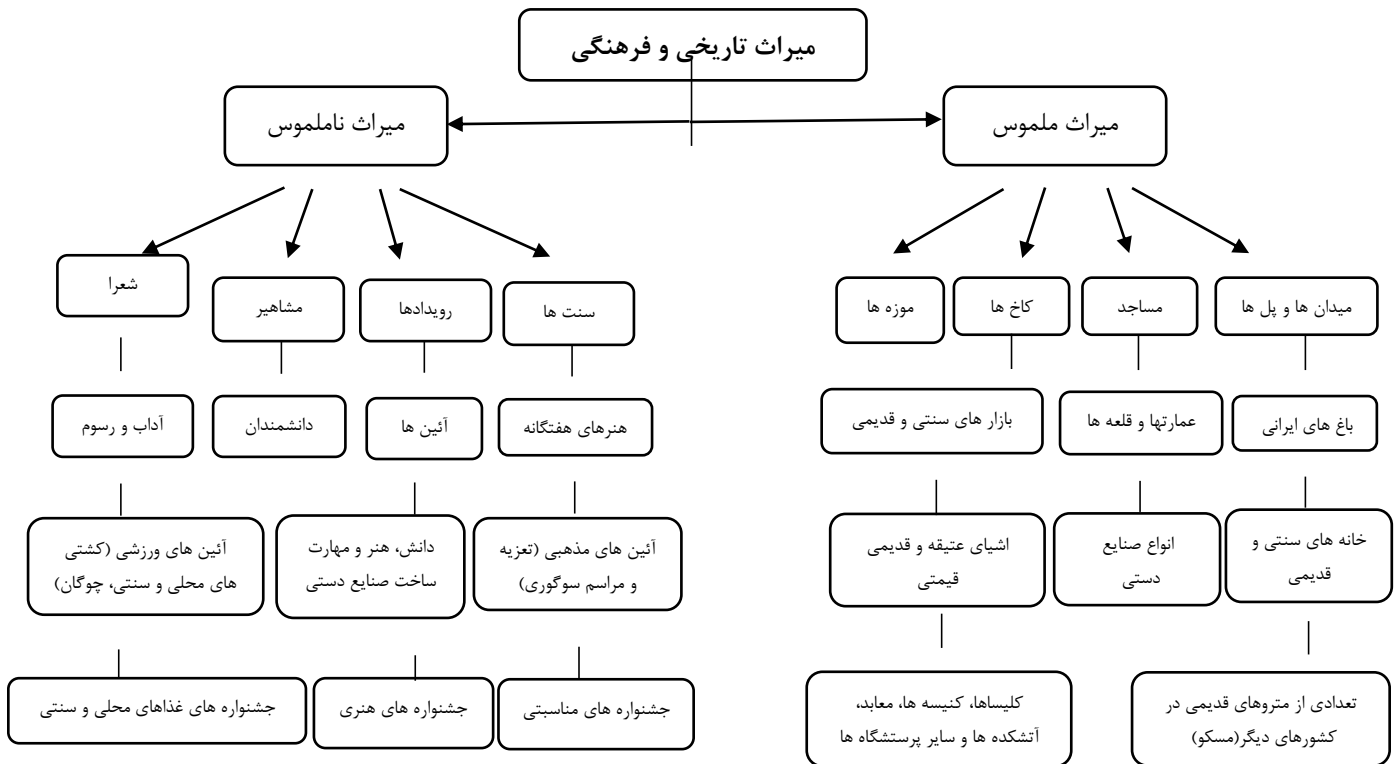
آثار تاریخی و فرهنگی از طرفی سرمایه های ارزشمند در کالبد شهری هستند و از طرف دیگر متغیرهایی هستند که می توانند همراه با سایر متغیرهای دیگر صنعت گردشگری را به توسعه پایدار برسانند. در بعضی از جوامع با داشتن آثار تاریخی و فرهنگی بسیار غنی، متأسفانه نتوانسته اند به طور کامل از آنها بهره ببرند؛ در حالیکه در بعضی از جوامع دیگر با ایجاد مصنوعات دیدنی جدید، درآمد کلانی از این جاذبه ها و بازدید گردشگران به دست می آورند. به عنوان مثال می توان از مصنوعات جدید در امارات متحده عربی و به ویژه در دبی نام برد.

میراث تاریخی و فرهنگی ملموس

میراث تاریخی و فرهنگی به دو دسته میراث ملموس و ناملموس تقسیم می شوند. میراث تاریخی و فرهنگی ملموس شامل بناهای باستانی همچون باغ های ایرانی و پارک های قدیمی، عمارت ها، کاخ ها، مساجد، کلیساها مثل کلیسای وانک، کنیسه ها، معابد، آتشکده ها و سایر پرستشگاه ها مثل معبد زیگورات چغازنبیل، پل ها، قلعه ها مثل ارگ بم کرمان، موزه ها، بازارهای سنتی و قدیمی، میدان ها، انواع صنایع دستی، اشیای عتیقه و قدیمی قیمتی و تعدادی از متروهای قدیمی در کشورهای دیگر (مسکو)، خانه های سنتی و قدیمی که متأسفانه بسیاری از آنها تخریب شده اما تعداد اندکی از آنها بازسازی و ترمیم شده و با تغییر کاربری به هتل تبدیل شده که مورد توجه و علاقمندی گردشگران بسیاری قرار گرفته اند، همچنین اشیای قدیمی مثل سکه ها، مجسمه ها، دست سازهای تاریخی و سایر آثار تاریخی و فرهنگی هستند که وجود خارجی دارند و گردشگران بسیاری به بازدید از این آثار می پردازند. صنایع دستی در تقسیم بندی جاذبه های میراث فرهنگی، جایگاه ویژه ای دارد و جوهره زندگی سنتی و باستانی اقوام و صنعتی است که در گذشته، محصولات آن پاسخ مناسبی به شرایط طبیعی زندگی بوده اند (رمضان زاده لسبویی و زال، ۱۳۹۴).

میراث تاریخی و فرهنگی ناملموس

میراث تاریخی و فرهنگی تنها به بناها و اشیای قدیمی ختم نمی شوند بلکه دربردارنده سنت ها، آداب و رسوم، آئین ها مثل آئین های ورزشی (آئین پهلوانی و زورخانه ای، کشتی های محلی و سنتی، بازی ها و مسابقاتی با قدمت بالا مثل چوگان در ایران) و آئین های مذهبی (تعزیه خوانی و مراسم سوگواری، اعیاد مذهبی)، رویدادها و جشنواره های مناسبتی، جشنواره های غذاهای محلی و سنتی، دانش و مهارت تولید صنایع دستی، هنرهای هفتگانه (از جمله موسیقی مثل موسیقی های محلی و بومی، حرکات نمایشی، هنرهای ترسیمی نظیر نقاشی و ...، تجسمی مثل معماری و دکوراسیون، مجسمه سازی و ...، ادبیات مانند نویسندگی، شعر و داستان، نمایشی مثل اجرای تئاتر، نمایشنامه و شعرخوانی، نقالی و داستان سرایی و هنر سینما) و جشنواره های هنری، مشاهیر، دانشمندان، شعرا، اصطلاحات و ادبیات شفاهی، گویش ها و بسیاری موارد دیگر هستند که به آنها میراث تاریخی و فرهنگی ناملموس گفته می شود و اگرچه آنها قابل لمس و یا قابل مشاهده نیستند اما بخش بسیار مهمی از میراث تاریخی و فرهنگی را شامل می شوند.



3

۱- میراث تاریخی و فرهنگی

میراث در لغت به معنای چیزی است که به ارث رسیده و مفهوم انتقال از گذشته به آینده را می رساند (فرهنگ لغات معین، ۱۳۸۶). میراث را می توان یادگاری از گذشتگان تعریف کرد که انسان اکنون با آن زندگی می کند و سپس آن را به نسل های بعد می سپارد تا از آن بیاموزند، شگفت زده شوند و لذت ببرند (جوپلا، ۲۰۱۱).

آنچه درخصوص میراث باید در نظر گرفت آن است که میراث فقط مربوط به آثار ملموس یا انسان ساخت نیست، بلکه شامل یک فرهنگ ناملموس و معنوی و حتی پدیده های طبیعی نیز می شود. به طور کلی در موضوع میراث ارتباط اجتناب ناپذیری میان فرهنگ و طبیعت وجود دارد؛ قرابت مکانی، تشابه ساختاری و جایگاه فرهنگی میراث فرهنگی و طبیعی سبب می شود در موضوع گردشگری نیز این دو میراث در کنار هم قرار گیرند و بخشی از ظرفیت های گردشگری شناخته شوند (کبیری هندی و دانه کار، ۱۳۹۰).

میراث فرهنگی ردپای انسان در طول تاریخ و حامی پیمای انسانی است، عنصر اساسی که هدف اصلی را در فعالیت های میراث فرهنگی تامین می کند حضور انسان است (حجت، ۱۳۸۰). میراث فرهنگی بر دو نوع است: میراث فرهنگی ملموس (مادی) و میراث فرهنگی ناملموس (معنوی) (توحیدی، ۱۳۸۱). میراث فرهنگی ملموس به مجموعه مظاهر مادی اطلاق می شود خارج از وجود انسان تحقق مادی و فیزیکی دارد و میراث فرهنگی ناملموس مجموعه مظاهری است که گرچه وجود مادی ندارد، اما جلوه های مادی آن

قابل درک و بررسی است (کبیری هندی و دانه کار، ۱۳۹۰). میراث طبیعی نیز مفهومی عینی و ملموس و از نظر حقوقی مفهومی روشن است (رضوانفر، ۱۳۹۵).

ظرفیت های میراث فرهنگی و طبیعی، به عنوان جاذبه های گردشگری، نقش شایان توجهی در ارتقای نظام گردشگری هر سرزمین ایفا می کند. ایران به علت داشتن جاذبه های طبیعی، آثار باستانی ملی، تمدنی، تاریخی، زیارتی و ... به منزله یکی از قطب های مهم گردشگری فرهنگی و طبیعی در جایگاه مناسب بین المللی قرار دارد (رازقی، ۱۳۹۸).

میراث فرهنگی با نظام گردشگری، به عنوان یکی از شیوه های ارتباط بین فرهنگی پیوندی تنگاتنگ دارد (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۴) و یکی از اساسی ترین ظرفیت های گردشگری شناخته می شود که نمایانگر یک کشور و مردم آن و منعکس کننده تنوع و تجسمی از آن سرزمین است (ادگل، ۲۰۰۶).

یکی از مهم ترین انواع گردشگری، گردشگری فرهنگی، به خصوص گردشگری میراث است. میراث فرهنگی حافظه جمعی یک ملت است که در مناطق مختلف فرهنگی در قالب پدیده ها، مکان ها و رویدادها قابل بازدید است (آشوری، ۱۳۸۰).

میراث فرهنگی به دو بخش ملموس و ناملموس تقسیم می شود. یکی از انواع میراث فرهنگی ملموس، مکان های تاریخی- فرهنگی است. در این مکان ها، پیوند مأنوسی بین انسان، معنا و مکان برقرار می شود؛ چرا که مکان ها تجربه بلافصل انسان ها از جهان هستند (تابان و همکاران، ۱۳۹۰).

4

بهبودی و دوباره سازی میراث فرهنگی تخریب شده و نگهداری و حفاظت از میراث فرهنگی

بهبودی

بعضی از آثار ملموس میراث فرهنگی در حال تخریب می باشد که نیاز به توجه بیشتر و بودجه کافی برای بازسازی آنها دارد. این آثار در طول زمان همانند سایر آثار تخریب شده، تخریب خواهند شد و اگر نظارت، نگهداری و ترمیم در آنها صورت نگیرد بطور کامل از بین خواهند رفت. وظیفه آحاد جامعه نسبت به این آثار گرانمایه مشارکت در نگهداری و ترمیم آنها خواهد بود. بخش های دولتی بطور ذاتی مسئول نگهداری و ترمیم این آثار می باشند و بخش خصوصی می تواند به کمک بخش دولتی در بهسازی این آثار مشارکت داشته باشد. در مورد خانه های قدیمی و سنتی متاسفانه اغلب یا خراب شده و یا در حال تخریب است که اخیراً خوشبختانه تعدادی از این خانه ها را ترمیم نموده اند و از آنها استفاده می کنند. یکی از مهمترین موارد برای حفاظت و نگهداری آثار گرانسنگ تاریخی و فرهنگی، استفاده از رویکرد فرهنگی و فرهنگ سازی در جوامع است، که کشورهای پیشرفته مبادرت به این امر مهم کرده و به آحاد جامعه دانش و آگاهی لازم را داده اند؛ که همانا این آثار ثروت ملی و منبع درآمد جوامع است. این آثار به دست افراد توانمند، هوشمند، با دانش، آگاه و دوستدار آثار احیاء گردیده و با عشق ساخته شده است، با وجودی که در قرن های گذشته آنچنان علم و دانش پیشرفت نکرده بود؛ ولی شاهکارهایی به وجود آمد که مثل و مانند نداشته و نخواهد داشت. بنابراین بایستی از کودکی به افراد آموخت که میراث فرهنگی همانند معادن، نفت، طلا، نقره و انواع فلزات گرانبها؛ جزئی از سرمایه های ملی و دارایی های یک کشور هستند. این سرمایه های ملی بایستی وجود داشته باشند تا صنعت گردشگری با داشته های آنها رونق بگیرد و باعث افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه گردد. با فرهنگ سازی می توان از آسیب های ناشی از زدن مواد محترقه به این آثار، همچنین نوشتن بر روی این آثار و هرگونه تخریب دیگر و آسیب زدن به سرمایه های جامعه جلوگیری نموده و موجب ترغیب و تلاش افراد جامعه برای حفظ، نگهداری، ترمیم، اصلاح و تعمیر آنها شد.

دوباره سازی

در بعضی از کشورهای جهان آثار تاریخی ملموس به طور کلی به علت جنگ ها و شورش های داخلی دستخوش تخریب کامل شده است و اثری از آنها باقی نمانده و با استفاده از تصویر و عکس هایی که قبل از تخریب گرفته شده است دوباره سازی و این آثار دوباره برپا شده اند همانند کاخ کاترین در روسیه، در ایران نیز بسیاری از آثار تاریخی و فرهنگی به دستور حاکم وقت در طول تاریخ به طور کامل تخریب شده است همانند کاخ نمکدان، کاخ هشت بهشت، کاخ چهارباغ، باغ و قصر سعادت آباد، عمارت و سردر باغ هزارجریب، عمارت و باغ نقش جهان، عمارت گلدسته، کاخ آئینه خانه و هفت دست، انگورستان، بادامستان، باغ زرشک، باغ فتح آباد، عمارت خورشید، باغ طاووس و ... در شهر اصفهان که به دستور ظل السلطان در زمان قاجاریه کاملاً تخریب گردید و همچنین تخت جمشید در شهر شیراز که به دستور اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تخریب گردید و قسمت جزئی از ستون ها و سنگفرش های آن باقی مانده است؛ آثار تخریب شده دیگری نیز در ایران تخریب شده اند که می توان آنها را نسبت به موقعیت های مکانی دوباره سازی نمود تا به عنوان آثار تاریخی و فرهنگی شهرها مورد بازدید شهروندان و گردشگران خارجی و داخلی قرار گیرد که از درآمد حاصل از آن می توان قسمتی از سرمایه هزینه شده برای دوباره سازی را بازگشت داد. بنابراین می توان گفت که دوباره سازی این آثار توجیه اقتصادی دارد و منابع آن را از فروش بلیط بازدیدها می توان تامین نمود.

حفظ ، ترمیم و نگهداری آثار تاریخی و دوباره سازی آثار تاریخی تخریب شده مثل کاخ آئینه خانه، کاخ نمکدان، کاخ جهان نما و کاخ هفت دست در اصفهان که می توانند دوباره احیاء گردند؛ از جمله اقدامات ضروری به نظر می رسد (لوفان، ۱۳۹۸).

5



کاخ آئینه خانه اصفهان (تخریب شده)

6



کاخ نمکدان اصفهان (تخریب شده)



کاخ هفت دست اصفهان (تخریب شده)



کاخ جهان نما اصفهان (تخریب شده)



کاخ تخت جمشید (تخریب شده)

میراث در کلیت خود مفهومی است که در اذهان مردم، واجد ارزش های مثبت و اعتبار است. با حراست از مقولات فرهنگی، همچون هنرها و مواردی که با زندگی روزمره انسان در ارتباط هستند، معماری، تفرجگاه ها و نیز بخش غیرملموس فرهنگ نظیر رقص های آیینی، محلی و موسیقی، آداب و رسوم، زبان و اذکار انسانی، به عنوان داشته های جمعی، همه مردم از فواید آن بهره مند می شوند. هویت افراد و اجتماع به واسطه چنین فرهنگ ملموس و غیرملموسی شکل می گیرد. چرا که مفهوم میراث با هویت و سرزمین ادغام شده است. از آن حیث دو مولفه هویت و رمز جغرافیایی اهمیت دارند که افراد و جوامع اغلب با یکدیگر رقابت و سر ستیز دارند. این منازعات حتی مواردی را در محدوده زمینی بومی، حق برخورداری از مالکیت معنوی، اقلیت های قومی یا اکثریت های غالب در بر میگیرد تا حدود و ثغور میراث های فرهنگی، تعیین و مدیریت شود. بدین لحاظ است که بحث اینکه چه کسی باید از میراث فرهنگی دفاع کند، بر آن کنترل داشته باشد و بر منافع آن نظارت داشته باشد، پیش کشیده خواهد شد (سیلورمن و روگلز، ۲۰۰۷).

حفظ و حراست از اشیاء فرهنگی ملموس و غیرملموس، بخشی از انتظارات جمعی اجتماع است و مدیریت انتظارات جامعه یا برآوردن انتظارات مشترک اجتماعی، قرار دادن اخلاق به عنوان بنیان آداب علم است (ودادهیر و فرهود، ۲۰۰۸). به طور کلی توسعه گردشگری و حفاظت از میراث فرهنگی همواره اهداف رقیب در این حوزه بوده‌اند. در این راستا پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به عنوان مثال، پیرسون و سالیوان در قالب طرح حفاظت از میراث فرهنگی و برنامه ریزی برای مدیران در استرالیا بر اهمیت درک و ارزیابی عناصر فرهنگی و برنامه ریزی گردشگری برای حفاظت از میراث فرهنگی تاکید فراوانی نموده‌اند (پیرسون و سالیوان، ۱۹۹۵). بندرین و همکاران (۲۰۱۱) به وجود سازگاری و وابستگی میان حفاظت از میراث فرهنگی و افزایش ارزش اقتصادی آن اشاره کرده‌اند. حفاظت و استفاده صحیح دو بعد مهم مدیریتی در گردشگری میراث محسوب می‌شوند.

هویت بخشی میراث فرهنگی ملموس و ناملموس در هویت ملی جوامع

اعتبار و ارزش یک جامعه یا کشور به داشته‌ها، دارایی‌ها و ثروت آن جامعه است. یکی از با ارزش‌ترین سرمایه‌ها و دارایی‌های اجتماعی داشتن آثار تاریخی و فرهنگی است. کشوری که به چنین نعمت‌هایی آراسته است قدمت، استواری، پایداری و مقاومت خود را به نمایش می‌گذارد؛ زیرا اگر دشمنان و استعمارگران بر کشور مستولی گشته بودند هم به دنبال تخریب میراث فرهنگی بودند و هم آنها را به تاراج برده بودند. همانطور که در گذشته بخشی از این آثار در موزه‌های مشهور جهان همانند لوور فرانسه و سایر موزه‌ها موجود است و متأسفانه موجب تاراج قاچاقچیان آثار تاریخی فرهنگی قرار گرفته‌اند. در جنگ‌ها، آشوب‌ها، آتش‌سوزی‌ها و حوادث غیرمترقبه و یا در اثر حفاری‌های غیرقانونی، تغییر کاربری زمین‌های دارای پیشینه آثار فرهنگی و تاریخی، اشیای عتیقه و قیمتی مدفون شده در زمین، فرونشست زمین، زلزله و سایر بحران‌های طبیعی، تغییرات در ساختار و نقشه‌های کالبدی شهرها متأسفانه این سرمایه‌های ملی و حتی جهانی از بین می‌روند و دیگر نمی‌توان این سرمایه‌ها را بنیان نهاد. در جنگ‌های گوناگون آثار جهانی بسیاری از دست رفته و تنها بخش بسیار کوچکی از باقیمانده‌های آنها بجای مانده است؛ که باز هم مشتاقان را ترغیب به دیدار از آنها می‌کند. در رم ایتالیا بخش کوچکی از باقیمانده این آثار فراوان به چشم می‌خورد؛ همچنین در یونان، ایران و سایر کشورهایی که نشان دهنده قدمت، تاریخ و فرهنگ هستند. ملت‌ها کوشیده‌اند که با چنگ و دندان این آثار را حتی به صورت تخریب شده حفظ نمایند و با ابزارهای نگهداری همانند مرزبندی، گذاشتن شیشه و ابزارهای نگهدارنده از آنها نگهداری کنند تا نسل‌های آینده بتوانند از این آثار استفاده کنند و این آثار نسل به نسل انتقال یابد.

در جنگ‌های جهانی اول و دوم بسیاری از این آثار جهانی تخریب گردید، به ویژه در کشور آلمان که تعداد زیادی از میراث فرهنگی باقی‌مانده است. به همین علت در شورای جهانی حفظ آثار جهانی قوانینی وضع شده است که در جنگ‌ها به آثار ملی و جهانی تعرضی صورت نگیرد و اگر حوادث جنگی رخ داد این آثار در جنگ‌ها مستثنی باشند و در امنیت کامل قرار گیرند؛ ولی با این حال تعرض‌هایی به آثار فرهنگی و تاریخی به وقوع پیوست و باعث تخریب آنها گردید. به عنوان مثال تخریب آثار باستانی مجسمه‌های بودا در منطقه بامیان افغانستان که دستخوش به سرقت رفتن اشیای آنها نیز گردید.

در کلی‌ترین تقسیم‌بندی، میراث فرهنگی تمامی دارایی‌های ملموس و ناملموس فرهنگی را شامل می‌شود که تجسم فیزیکی ارزش‌های فرهنگی در قالب ساختمانهای تاریخی، بناهای تاریخی، محوطه‌های باستان‌شناسی و آثار باستانی فرهنگی میراث ملموس و سنت‌های فرهنگی در قالب فرهنگ عامه، هنر و صنایع دستی، روش‌های زندگی محلی، آداب و رسوم اجتماعی و جشنهای فرهنگی میراث ناملموس قلمداد می‌شوند. مجموعه‌ای از گونه‌های یاد شده «جلوه‌های میراث» نامیده می‌شوند (ذال، ۱۳۹۵).

مک کرچر و دوکراس، معتقدند که گردشگری فرهنگی شامل چهار عنصر گردشگری، استفاده از اموال میراث فرهنگی، مصرف تجارب و محصولات و گردشگر است که برای درک چگونگی ارتباط این عناصر با گردشگری فرهنگی و میراث فرهنگی ناملموس، تعریف روشن از آنها مورد نیاز است. این پژوهشگران، ضوابطی را برای ارزیابی ارزش اموال میراث ارائه کرده‌اند که عبارتند از: نادر بودن، جذابیت، فنی و نوآورانه بودن، توان نمایش شیوه‌های فرهنگی و مذهبی اعتقادات و... نمونه‌های آن هستند (مک کرچر و دوکراس، ۲۰۰۲).

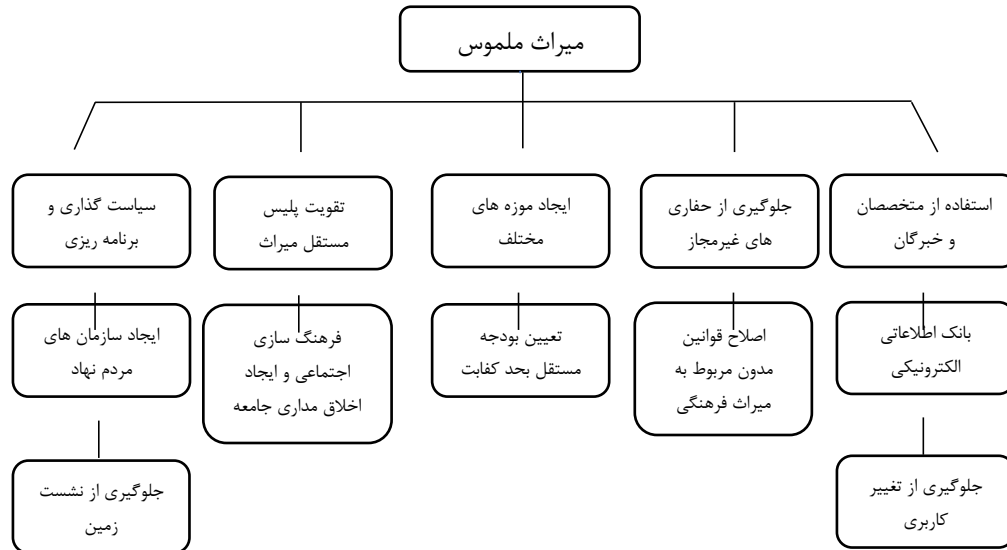
نقش جامعه در حفظ و حمایت میراث فرهنگی ملموس و ناملموس و چگونگی ماندگاری این آثار

اشیاء و آثار گرانبهای باستانی ثروت و سرمایه ملی هر کشور محسوب می‌شوند و همانند آثار تاریخی ارزشمند هستند. برای حفاظت و نگهداری اشیاء قدیمی و عتیقه که طی سالیان متمادی کشف گردیده، نیاز به ایجاد موزه‌های متفاوت از قبیل موزه سکه، موزه اسلحه، موزه عتیقه‌های سفالی و مفرغی، موزه جواهر، موزه فرش و موزه صنایع دستی قدیمی می‌باشد. حمایت از موزه داران خصوصی و ترغیب آنان به جمع‌آوری و نگهداری اشیاء و میراث گرانبهای تاریخی می‌تواند در امر نگهداری و حفاظت از این آثار موثر باشد. چرا که کشور ما با این قدمت تاریخی مورد توجه گردشگران فرهنگی و سیاحتی بسیاری است. تماشای تاریخ و اثرهای پر شکوه مورد علاقه و توجه گردشگران داخلی و خارجی است. علاوه بر آن تقویت پلیس مستقل میراث فرهنگی هم می‌تواند در حفظ و نگهداری از میراث تاریخی و فرهنگی نقش موثری داشته باشد؛ چراکه در غیر اینصورت این اشیاء به سرقت و تاراج رفته و از کشور خارج خواهد شد و به قیمت‌های گزاف در خارج از وطن به فروش می‌رسد.

سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد قوانین مدونی و همچنین اصلاح قوانین مربوط به میراث فرهنگی در صورت نیاز و با توجه به شرایط، که باعث ایجاد پایداری جهت حفظ، حراست، ترمیم، اصلاح و جلوگیری از تخریب این آثار ملموس شود، می‌تواند راه‌چاره‌ای برای حفظ و نگهداری آنها باشد. یکی دیگر از راه‌های حفظ و حراست از آثار تاریخی فرهنگی ملموس و ناملموس "فرهنگ سازی" در جوامع است به گونه‌ای که همه‌آحاد جامعه به ارزشمندی و سرمایه‌مادی معنوی این آثار آگاه گردند. ایجاد دایره‌المعارف مکتوب و بانک اطلاعاتی الکترونیکی نامبرده از کلیه آثار میراث ناملموس طی سال‌ها و قرن‌های گذشته و رویدادهایی که در طول تاریخ رخ داده است، می‌تواند این آثار بسیار ارزشمند را حفظ و نگهداری کند و حتی آثاری که در قرون گذشته فراموش شده است را بازآوردی نماید.

وجود "تشکل‌های مردم‌نهاد یا (NGO)" همانند مجامع، انجمن‌ها و سایر تشکل‌های مردمی می‌توانند از دو بعد اطلاع‌رسانی در جهت جلوگیری از تخریب آثار تاریخی و فرهنگی و از بعد دیگر کمک‌های مالی توسط خیران و دوستداران آثار تاریخی فرهنگی به کمک دولت‌ها نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا می‌کنند. بنابراین با ایجاد چنین تشکل‌های مردمی می‌توان اثرات مثبت خوبی در حفظ، نگهداری، ترمیم، تعمیر و اصلاح این آثار تاریخی و فرهنگی گذاشت.

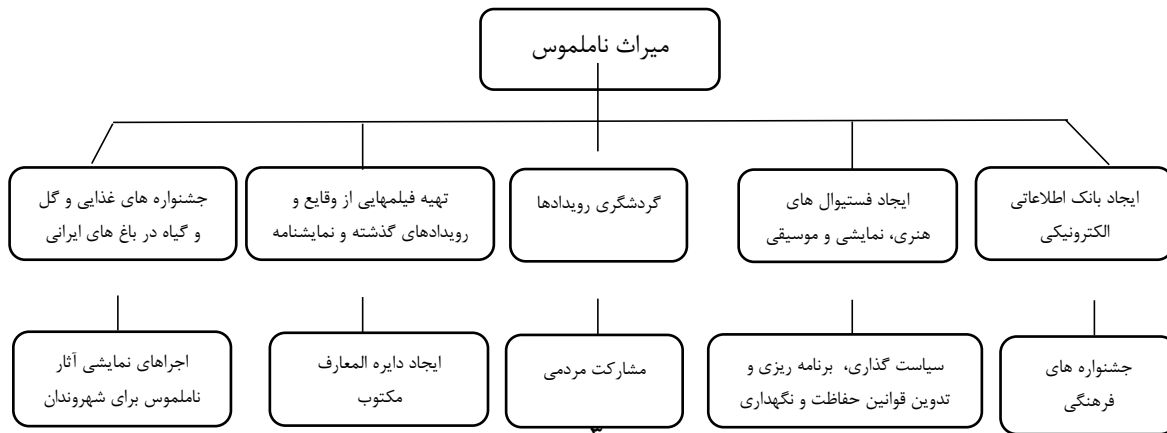
استفاده از تخصص و نظر متخصصان و خبرگان برای نگهداری از میراث گرانبهای تاریخی و فرهنگی ضروری است. به علاوه تعیین بودجه مستقل و به حد کفایت برای برنامه‌های حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی می‌تواند پشتوانه خوبی در این راه باشد. ممانعت از تغییر کاربری اماکن تاریخی، جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز و اقدامات لازم جهت جلوگیری از فرونشست زمین نیز از عوامل موردنیاز برای حفظ و نگهداری از آثار تاریخی و فرهنگی ملموس به شمار می‌آیند.



۲- موارد مورد نیاز حفظ و نگهداری از میراث ملموس

10

برای حفظ و نگهداری میراث ناملموس ایجاد بانک اطلاعاتی الکترونیکی و دایره المعارف مکتوب جامع و کامل در پایگاه های میراث فرهنگی از این آثار تاریخی و فرهنگی نقش بسزایی خواهد داشت. تلاش در برقراری و رونق گردشگری رویدادها و اجرای نمایشی آثار ناملموس مثل آئین پهلوانی و زورخانه ای ، نقالی و تعزیه خوانی برای شهروندان موجب آشنایی گردشگران و حتی شهروندان مقاصد سفر با میراث ناملموس می شود که این امر در حفظ و نگهداری و انتقال نسل به نسل این آثار موثر است. برگزاری جشنواره های فرهنگی، جشنواره های غذایی و گل و گیاه در باغ های ایرانی ، ایجاد فستیوال های هنری، نمایشی و موسیقی و تهیه فیلم هایی از وقایع و رویدادهای گذشته، اجرای آئین های ورزشی مثل آئین های پهلوانی و زورخانه ای ، کشتی های سنتی و محلی، چوگان و ... از جمله اقدامات لازم و ضروری برای معرفی میراث ناملموس و حفظ و نگهداری از آنها محسوب می شود. مشارکت مردمی در اجرای برنامه های حفظ و نگهداری میراث ناملموس و سیاست گذاری، برنامه ریزی و تدوین و تبیین قوانین و برنامه هایی مختص به حفاظت و نگهداری آثار تاریخی و فرهنگی ناملموس جزء لاینفک این مهم می باشد.



-موارد موردنیاز حفظ و نگهداری از میراث ناملموس-

در جهت حمایت و حفاظت از تولیداتی که دارای اعتبار میراث فرهنگی هستند و در جهت حمایت از هنرورزان و صنعت گران هنری، اروپا در قرن پانزده، قوانینی دولتی را وضع و تصویب نمود. میراث فرهنگی اولین بار در سال ۱۹۰۷ در قوانین بین‌المللی دیده شد و بعد از آن در یونسکو مبادرت به تعمیم و اشاعه قانون فوق کرد. قانونمندی آثار هنری در حیطه میراث های فرهنگی در دهه ۱۹۵۰ عملی شد. قوانین بین‌المللی مربوط به حفظ میراث های فرهنگی مسئله ای بود که در خلال دوران جنگ، در دفاع از مظاهر فرهنگی با قانون مالکیت معنوی گره خورد (بلیک، ۲۰۰۰).

بنابراین کلیه اموری که داشته ها و میراث مردم یک سرزمین را برای نسل ها و طی اعصار متفاوت از حیث وجوه فرهنگی شامل می شوند، جزء میراث فرهنگی ملت ها محسوب می گردند که هم متولیان نهاد جامعه به عنوان قانون گذار و هم یکایک افراد اجتماع در برابر حفظ و سپردن آن به نسل های بعد، مسئولیت هایی دارند. از حیث مسئولیتی که افراد برای چگونگی روبرو شدن با مظاهر فرهنگی و صیانت از آن دارند شخصیت آنها اهمیت خاصی پیدا می کند. این همان شقی است که با اخلاق و ضوابط اخلاق مندی جامعه مرتبط می شود. برای ارزیابی نحوه مواجهه مردم یک جامعه با موارث فرهنگی، به ارزیابی اخلاقیات افراد اجتماع نیاز است. که خود امری است که ارتباط مستقیمی با منش و سیرت افراد دارد " دلایل یک فرد برای کنش رفتاری، و جوهی از شخصیت وی را نشان می دهند که او برای واکنش نسبت به شرایط از خود نشان می دهد" (ترایگر، ۲۰۰۶).

موزه ها یکی از بهترین رابط های ملموسی هستند که می توانند به حفظ و حراست از اشیاء ملموس و غیرملموس میراث فرهنگی همت گمارند. یکی از راه حل هایی که باعث می شوند ما دانش و آگاهی های خود را در مورد استفاده های غیراخلاقی ناروا و دستبرد به موارث فرهنگی، افزایش دهیم؛ مجموعه های موزه های مردم شناسی است که جایگاهی برای حفظ طریقه زندگی مردم بومی و جوامع سنتی و از طرف دیگر محلی برای افزایش آگاهی های مردم از این نوع زندگی ها به حساب می آیند. اما برای این کار نیاز است تا در قدم های اول هر گونه اطلاعاتی درباره چنین حرکت هایی، تجارب، موارد حایز اهمیت به علاوه موسساتی که به جمع آوری میراث های معنوی می پردازند؛ مجموعه شده، داده های آنها مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه قرار گیرد. چنین تمهیداتی برای مناطق شمالی امریکا تجربه شد و نتایج ابتدایی اقدامات فوق بدین شرح بودند. تغییر دانش اقتصاد جهانی که منجر به رقمی شدن مجموعه های میراث فرهنگی غیرملموس شد، تغییر در نوع ارتباط میان موسسات میراث و جوامع بومی گرا که سهم جوامع بومی

در تفسیر، ضبط و نشان دادن میراث فرهنگی خود، همواره روبه افزایش است؛ درخواست جوامع بومی برای استانداردهای جدید مالکیت معنوی در قبال فرهنگ و دانش سنتی خود، موزه‌ها همانند شاهراه ارتباطی منابع جوامع، محل اشراف و استفاده بر میراث فرهنگی آنها محسوب می‌شوند (دریایی، ۱۳۹۵).

اهمیت و ارزشمندی میراث ملموس و ناملموس تاریخی و فرهنگی در توسعه پایدار صنعت گردشگری

در کالبد شهرها اگر میراث فرهنگی و تاریخی ملموس و ناملموس وجود نداشته باشد هویت آنها مورد تردید قرار می‌گیرد و سیر تاریخی و مبدأ آن نامشخص می‌ماند. یک شهر علاوه بر داشتن مناظر طبیعی، آب و های مطبوع، پارک‌ها و سبزه‌زارها، امکانات تفریحی گوناگون و کلیه امکانات رفاهی برای گردشگران، نیاز به یک ژرف‌اندیشی تاریخی و تاریخ‌شناسی دارد. مردم‌شناسی و رفتارشناسی اهالی شهرها نیاز به برآورد تاریخی آثار ملموس و ناملموس دارد. گردشگران بایستی از روش زیستن اهالی مقاصد گردشگری طی سال‌ها و قرن‌های پیش، آگاهی یابند و این اطلاعات را نمی‌توانند بیابند مگر اینکه با چگونگی هنر، اندیشه، موسیقی، صنعت، صنعت ساختمانی، صنایع دستی، ورزش و سایر اطلاعات از گذشته‌های دور آشنایی پیدا کنند. در بعضی از کشورها و شهرها آنها را به تعجب، اندیشه، جستجو و پژوهش وادار میکند که چگونه بنایی با حداقل امکانات و با دانش دیرینه این چنین ساخته شده است؟ به عنوان مثال بناهای ساخته شده در دوره صفویه در اصفهان که از بی نظیرترین بناهای تاریخی است؛ از جمله مساجد، پل‌ها، کلیساها، کاخ‌ها و میدان‌ها که همه و حتی شهروندان را به تعجب وامیدارد.

در اولویت بندی و بخش بندی صنعت گردشگری، گردشگری تاریخی و فرهنگی سهم بسزایی دارد. گردشگری بدون آثار تاریخی و فرهنگی چندان مورد علاقه گردشگران نیست و به جز تعداد اندکی از گردشگران که به گردشگری تفریحی و سایر گردشگری‌ها می‌پردازند؛ اکثر گردشگران علاقمند به جستجوی آثار تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس در جهان می‌باشند.

گردشگری میراث فرهنگی به عنوان یکی از بزرگترین، فراگیرترین و نیز رو به رشدترین بخش‌های گردشگری، ۴۰٪ از گردشگری جهانی را در اختیار دارد (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۸).

میراث فرهنگی میراثی از مصنوعات فیزیکی، مادی و بخش غیرملموسی از آن است که به گروه یا جامعه‌ای نسبت داده شده، از نسل‌های قبل به ارث رسیده، در زمان حاضر از آن محافظت می‌شود و برای برخورداری از مزایای آن به نسل‌های بعد ارزانی می‌شود. معماری، اماکن تاریخی، بناهای یادبود و مصنوعات از جمله بخش‌های ملموس میراث فرهنگی به شمار می‌آیند. بخش‌هایی که در شمار اشیاء قابل رویت قرار دارند و حوزه‌هایی از قبیل باستان‌شناسی، معماری، علوم و فن‌آوری‌های فرهنگی خاص را شامل می‌شوند. مطالعه بخش ملموس فرهنگ از آن حیث اهمیت دارد که جزء مبانی قابل لمس افکار انسانی و باعث افکار تلقی می‌شود. آنها بیان شفاهی ملموس نوع زندگی مردم، یادواره‌ها و روایت‌های زندگی آنان در گذشته هستند. این بخش از میراث فرهنگی همواره در معرض خطراتی نظیر طریقه مواجهه مردمی به نام گردشگر با این اشیاء و خطرات ناشی از تخریب فیزیکی قرار دارد. اما بخش غیرملموس میراث فرهنگی شامل است و البته محدود نیست به مواردی نظیر جشنواره‌های سنتی، سنت‌های شفاهی، اشعار شفاهی، رسوم، شیوه‌های زندگی، هنرهای سنتی، آداب مذهبی، سنت‌های موسمی آیین‌های مرتبط با رقص بومی، جشنواره‌های سنتی غذاهای محلی، تئاترهای خیابانی عروسکی یا خیمه شب بازی، موسیقی‌های نواحی، فولکور و غیره. محافظت از بخش غیرملموس این میراث، حفظ مولفه‌های فرهنگی و در نتیجه فرهنگ جامعه انسانی است (یونسکو، ۲۰۱۲).

در ادبیات پژوهشی، از ظرفیت های وسیع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میراث در حوزه ی گردشگری حکایت میکنند. به عنوان نمونه، ذن و همکاران از میراث به عنوان موقعیتی منحصر بفرد برای توسعه ی اقتصادی جوامع محلی از طریق توسعه گردشگری فرهنگی یاد میکنند (ذن، ۲۰۰۷).

وفاداری گردشگران میراث فرهنگی

یکی از مهمترین موارد برای ایجاد وفاداری در گردشگران داخلی و خارجی بعد از ارائه عالی ترین خدمات، اسکان، حمل و نقل، آژانس های مسافرتی و راهنمایان تور، آثار تاریخی و فرهنگی است که ترمیم و تعمیر این آثار و دوباره سازی آثار تاریخی و فرهنگی کاملا تخریب شده در کالبد شهرها می تواند جذابیت و برای دیدن این آثار کشش و شوق و علاقه ایجاد نماید. در بستر گردشگری میراث فرهنگی، ایده آل ترین حالت ایجاد تعامل میان گردشگران و میراث فرهنگی است (افخمی و همکاران، ۱۳۹۶). به منظور افزایش وفاداری گردشگران، مدیران مقصدهای میراث فرهنگی باید اولویت های خود را برای فراهم آوردن کیفیت و رضایت تجربی بالا و نیز ایجاد مجموعه ای از ارزش ها تنظیم کنند (ریندل، ۲۰۱۳).

تاج زاده نمین و هاشم زاده (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان نقش جشنواره های موسیقی محلی در توسعه گردشگری از دیدگاه گردشگران بالقوه به این نتیجه رسیدند که جشنواره موسیقی محلی نقش مهمی در جذب گردشگر و ارتقای تصویر مقصد در ذهن گردشگر و نیز وفاداری وی دارند.

شاطریان و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اثرگذار بر انگیزه گردشگران رویداد در انتخاب مقصد گردشگری و اثر آن بر وفاداری گردشگران (مورد مطالعه: جشنواره گل و گلاب قمصر و نیاسر) به این نتیجه رسیدند که انگیزه های گردشگران برای شرکت در رویداد بر وفاداری آنها به رویداد موثر است.

بحث و نتیجه گیری

صنعت گردشگری به اشکال مختلف مورد تقاضای گردشگران داخلی و خارجی قرار میگیرد، که عبارتند از: ۱- گردشگری فرهنگی، تاریخی ۲- گردشگری ورزشی ۳- گردشگری سلامت ۴- گردشگری ماجراجویانه ۵- گردشگری اکوتوریسم ۶- گردشگری صنعتی، تجاری ۷- گردشگری غذایی ۸- گردشگری مذهبی ۹- گردشگری روستایی ۱۰- گردشگری حیات وحش ۱۱- گردشگری تفریحی ۱۲- گردشگری انبوه ۱۳- گردشگری بومگردی ۱۴- گردشگری رویدادها (شامل گردشگری میراث ناملموس، فستیوال ها، نمایشگاه های هنری، موسیقی، جشنواره ها، شعر و شعرا، نویسندگان، هنرمندان و به طور کلی هنرهای هفتگانه، آداب و رسوم و سنت های محلی) که یکی از مهمترین گردشگری ها گردشگری فرهنگی، تاریخی می باشد. زیرا اکثر گردشگران به آثار قرون گذشته بسیار علاقمند هستند و می خواهند از وقایع آثار ملموس و غیرملموس جوامع با خبر گردند. تعدادی دیگر از گردشگری ها همانند گردشگری رویدادها و گردشگری غذا در درون گردشگری فرهنگی تاریخی جای می گیرد و به شکل میراث ملموس و یا ناملموس به نمایش درمی آید. یکی از عوامل مهم توسعه پایدار صنعت گردشگری به ویژه در بحث گردشگری تاریخی و فرهنگی، وجود میراث های تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس است. به جا ماندن این آثار سرمایه های همیشگی یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد، و همه افراد جامعه و به ویژه دولت ها می بایست از این سرمایه های ملی اجتماعی که می توانند انتفاع جامعه را در همه زمان ها و همه شرایط تامین کنند؛ محافظت نمایند. بنابراین کشورها و شهرهایی می توانند از این گردشگری منتفع گردند

که آثار فرهنگی و تاریخی (ملموس و ناملموس) خود را به عنوان سرمایه های اجتماعی دانسته و در حفظ و نگهداری این آثار کوشش نمایند.

بازدید از منابع فرهنگی و تاریخی یکی از بزرگترین ، فراگیرترین و رو به رشدترین بخش های صنعت گردشگری عصر حاضر است. در حقیقت این چنین به نظر می رسد که گردشگری میراث ، رشد بسیار سریع تری از سایر اشکال گردشگری، خصوصا در کشورهای در حال توسعه داشته و باید آن را به عنوان ابزار بالقوه مهمی برای کاهش فقر و توسعه اقتصادی جامعه به حساب آورد (سازمان جهانی جهانگردی، ۲۰۰۵).

گردشگری میراث معمولا به عناصر زنده و بناشده فرهنگ متکی است و از گذشته ملموس و ناملموس به عنوان منبعی برای گردشگری بهره می گیرد. میراث، موارد ذیل را شامل می شود: فرهنگ های موجود و شیوه های عامیانه زندگی امروز که آنها نیز بخشی از میراث گذشته اند؛ سایر عناصر غیرمادی مانند موسیقی، رقص، زبان، دین، سبک آشپزی و پخت غذا، سنت های هنری، فستیوال ها، بقایای مادی محیط فرهنگی بناشده از قبیل بناهای یادبود، خانه ها و بناهای عمومی تاریخی ، مزرعه ها، قلعه ها، کلیساهای جامع، موزه ها، بقایا و یادگارهای باستان شناختی. اگرچه در گذشته صنعت میراث به صورت همه جانبه به عرضه ماترک بلندپایگان (برای مثال قلعه ها، کلیساهای جامع و خانه های اعیانی) توجه داشته است ولی اکنون چشم اندازهای روزمره که نمایشی از زندگی مردم عادی هستند به طور گسترده ای مقبولیت کسب کرده اند، از قبیل خانواده های کشاورزان، کارگران کارخانه، معدنچی ها، ماهیگیران، زنان و بچه ها (دالن و همکاران، ۱۹۹۶).

پیشنهادها

- ۱- تبیین و تدوین سیاست گذاری، برنامه ریزی و قوانین متقن جهت نگهداری، حفظ و حراست از آثار تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس.
- ۲- ایجاد دایره المعارف و بانک اطلاعاتی از کلیه آثار تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس.
- ۳- فرهنگ سازی اجتماعی در جهت حفظ سرمایه های با ارزش آثار تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس برای آحاد جامعه از کودکی تا بزرگسالی.
- ۴- ایجاد تشکل های مردم نهاد (NGO) در جهت اطلاع رسانی و حمایت از آثار تاریخی و فرهنگی ملموس و ناملموس.
- ۵- دوباره سازی آثار تاریخی و فرهنگی کاملا تخریب شده.
- ۶- آموزش افراد جامعه از کودکی تا بزرگسالی برای حفظ و نگهداری از میراث ملموس و ناملموس تاریخی و فرهنگی و آشنایی با ثروت های مادی و معنوی اجتماعی این آثار.
- ۷- ایجاد وفاداری و جذب گردشگران برای گردشگری رویدادها و همچنین گردشگری تاریخی و فرهنگی به وسیله ایجاد جذابیت های مختلف.
- ۸- ایجاد و تاسیس موزه های مختلف برای پیشگیری از چپاول ، دستبرد و قاچاق اشیای قیمتی و نگهداری از این سرمایه های ملی.
- ۹- جلوگیری از نشست زمین و حفاری زمین در مناطقی که ممکن است آثار ملموس و اشیای تاریخی و فرهنگی وجود داشته باشد.
- ۱۰- استفاده از رویکرد تاب آوری در مواقع بروز حوادث که ممکن است به آثار تاریخی و فرهنگی آسیب وارد شود.
- ۱۱- استفاده و بکارگیری از اساتید و متخصصان میراث فرهنگی در جهت اصلاح، تعمیر ، بازسازی و دوباره سازی ابنیه تاریخی و فرهنگی و عدم استفاده از افراد غیرمتخصص که موجب نابودی این بناهای ارزشمند خواهد شد.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگاه.
- افخمی، بهروز، علیزاده، محمد و اروجی، حسن. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت گردشگران میراث از مجموعه جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۲ (۳۷)، صص ۹۵-۱۱۴.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، محمدرضا و پورمند، حسینعلی. (۱۳۹۰). هویت و مکان؛ رویکردی پدیدارشناسانه، محله هویت شهر، سال ۶، شماره ۱۰، صص ۷۹-۹۰.
- تاجزاده نمین، ابوالفضل و هاشم زاده، ژاله. (۱۳۹۳). نقش جشنواره‌های موسیقی محلی در توسعه‌ی گردشگری از دیدگاه گردشگران بالقوه. مطالعات مدیریت گردشگری، ۹ (۲۶)، صص ۲۵-۵۲.
- توحیدی، فایق. (۱۳۸۱). آشنایی با میراث فرهنگی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهران.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشگاه دریایی، نازیلا. (۱۳۹۵). اخلاق و میراث فرهنگی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱-۱۰.
- ذال، محمدحسن. (۱۳۹۵). واکاوی ظرفیت‌های توسعه گردشگری میراث فرهنگی در روستای باستانی میمند، فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال چهاردهم، شماره ۴۹، صص ۱۳۳-۱۵۱.
- رازقی، علیرضا. (۱۳۹۸). مطالعه ظرفیت‌های گردشگری میراث فرهنگی و طبیعی در نوار ساحلی مکران استان هرمزگان، فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری و توسعه، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۱۴۸-۱۸۰.
- رضوانفر، مرتضی. (۱۳۹۵). رویکردی انسان‌شناختی به: گفتمان میراث طبیعی و گردشگری روستایی، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۱.
- رمضان زاده لسبویی، مهدی و زال، محمدحسن. (۱۳۹۴). تحلیل ویژگی‌های صنایع دستی در راستای توسعه گردشگری میراث فرهنگی (مطالعه موردی: استان مازندران)، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی فضایی، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۸۷-۱۰۲.
- شاطریان، محسن، کیانی سلمی، صدیقه و شیخزاده، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل اثرگذار بر انگیزه‌ی گردشگران رویداد در انتخاب مقصد گردشگری و اثر آن بر وفاداری گردشگران. گردشگری و توسعه، ۱۷ (۱)، صص ۱۵۵-۱۳۵.
- عباس زاده، مظفر؛ محمدمرادی، اصغر و سلطان احمدی، الناز. (۱۳۹۴). نقش ارزش‌های میراث معماری و شهری در توسعه گردشگری فرهنگی، مطالعه موردی بافت تاریخی ارومیه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۷۷-۹۰.
- کیبیری هندی، مریم و دانه کار، افشین. (۱۳۹۰). رویکرد یکپارچه در مدیریت و حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی، نامه باستان‌شناسی، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۵۹.
- لوفان، علی. (۱۳۹۸). ارائه مدل گردشگری پایدار فرهنگی در ایران، انتشارات مهکامه، تهران، چاپ اول، ص ۴۹.
- Bandarin, F., Hosagrahar, J., & Albernaz, F. S. (2011). Why development needs culture. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, Vol 1, Pp: 15-25; 11.
- Blake V J. (2000). *On defining the cultural heritage*. Available at: www.journals.cambridge.org. Accessed: 30 Sep 2015.
- Jopela, A. (2011). Traditional Custodianship: a useful framework for heritage management in southern Africa? *Conservation and Management of Archaeological Sites*, 13(2-3), 103-122.
- McKercher, B., & du Cros, H. (2002). *Cultural tourism: The partnership between tourism and cultural heritage management*. New York: Haworth Press;
- Pearson, M., & Sullivan, S. (1995). *Looking after heritage places. The basics of heritage planning for managers, landowners and administrators*. Melbourne: Melbourne University Press.

Silverman H, Ruggles DF. (2007). Cultural heritage and human rights. Available at: www.link.springer.com. Accessed: 23 Sep 2015.

Traiger S. (2006). Humes Treatise. USA: Blackwell Publishing. P. 278.

UNESCO. ((2012). Tangible cultural heritage. Available at: www.unesco.org. Accessed: 20 Nov 2015.

UNESCO. (2012). Tangible cultural heritage. Available at: www.unesco.org. Accessed: 20 Nov 2015.

Vedadhir A, Farhud DD. (2008). The ethos and standards of ethical conducting and doing science. Ethics in Science & Technology; 3 (3, 4): 8. (In Persian).

World Tourism Organization (UNWTO). (2018). Concept note of 3rd UNWTO/UNESCO World Conference on Tourism and Culture: for the benefit of All. Retrieved from [http://ethics.unwto.org/event/3rd_unwtounesco-world-conference-tourism-and-culture-benefits-all]. (Accessed 10 June. 2019).

Zan, L., Bonini B. S., & Gordon, C. (2007). "Cultural heritage between centralization and decentralization: Insights from the Italian context". International Journal of Cultural Policy, 13(1), Pp: 49–70;.